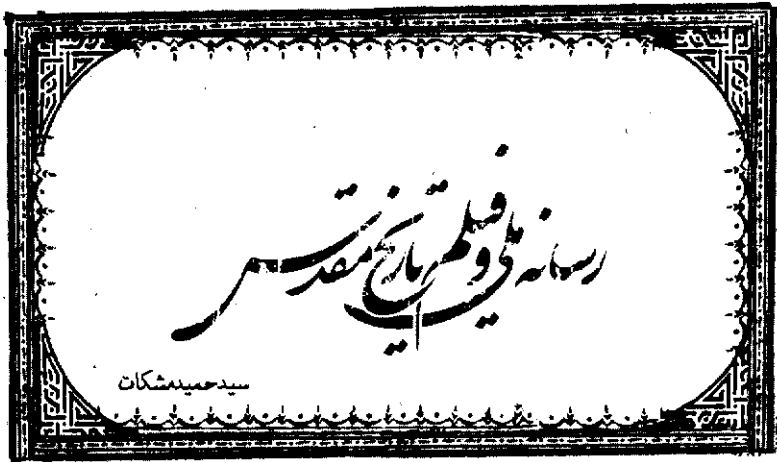


پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال جامع علوم انسانی



پس از انقلاب اسلامی، رسانه ملی به فیلم تاریخ مقدس، یعنی فیلمی که به نوعی به تاریخ و عصر رسولان یا امامان (علیهم السلام) می‌پردازد، اقبال نشان داده است. به گونه‌ای که این اقبال رفته رفته می‌رود تا به یک ویژگی و بلکه به عنوان یک امتیاز تولیدات رسانه ملی در سطح امت اسلامی و حتی جهان تبدیل شود.

نگاه تنزیه‌گرایانه تشیع به معصومین که به آثار رسانه تسری یافته است، موهبتی است که از طریق آن معارف و ارزش‌های الهی برای دیگر مذاهب و ادیان نیز مطرح می‌شود و با استقبال همگان مواجه می‌گردد.

تجربه‌های رسانه درباره فیلم تاریخ مقدس، تجربه‌های ذی‌قیمتی هستند که نیازمند بازنگری و نوعی نگاه انتقادی بوده تا نقاط قوت و ویژگی‌های ممتاز آن تعیین و تقویت شوند و نقاط ضعف و آسیب‌های آن بررسی و برطرف گردند.

یکی از نکات مهم در این باره، اهداف بیان تاریخ مقدس در قالب اثری نمایشی است. به عبارت دیگر بیان هنری تاریخ مقدس به دنبال چه تأثیری در مخاطب است؟ این پرسش هم‌چنان که که در فیلم مطرح است، در نفس بیان تاریخ مقدس در قرآن نیز پرسیدنی است؛ چرا قرآن به بیان تاریخ رسولان و قوم آنان می‌پردازد به طوری که در جای‌جای قرآن پرسش‌های گوناگونی از تاریخ رسولان وجود دارد؟

شاید این اولین نکته‌ای است که باید درباره فیلم تاریخ مقدس مطرح کرد. فیلم تاریخ مقدس هم‌چنان که از نامش پیداست و برای این که این نام حقیقتاً بر آن صدق کند باید پاسخ این پرسش را از متن دین جست‌وجو کند. در قرآن کریم در سوره هود در این باره بیانی وجود دارد:



و كلاً نقمن' عليك من انبياء الرسل ما نثبت به فؤادك و جاءك في هذه الحق و  
موعظه و ذكرى للمؤمنين

و همگی اخبار رسولان را، آن چه که قلب تو بدان تثبیت می شود، بیان می کنیم و در این  
امر، حق نزد تو آمده است و موعظه و تذکر برای مؤمنان است.<sup>۱</sup>

بر اساس این آیه بیان داستان رسولان برای رسول الله (ص) تثبیت قلب است تا دل او از  
نگرانی ها و اضطراب ها که نگرانی های مقام پیامبری برای ابلاغ پیام و هدایت خلق است، به ثبات  
برسد. بیان داستان رسولان الهی برای مؤمنان و جامعه ایمانی وعظ و یادآوری است.  
در وعظ و ذکر بودن تاریخ مقدس این نکته نهفته است: وجود فطرت و ساحت مشترک و  
ثابت انسانی در طول تاریخ بشریت و نیز وجود سنت ها و قوانین ثابت و مشترک در جوامع  
مختلف؛ فطرتی که در آن تغییری به وجود نمی آید:

فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله<sup>۲</sup>

و سنت هایی که در آن تبدیلی نیست:

سنة الله في الذين خلوا من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلاً<sup>۳</sup>

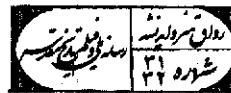
در این صورت داستان آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی و دیگر رسولان الهی (علیهم السلام)  
می تواند برای زمان بعثت و تا کنون و تا آینده (به حکم جاودانه بودن قرآن و مورد خطاب بودن  
انسان ها تا قیامت) هم چنان وعظ و تذکر باشد. تاریخ رسولان و امامان (علیهم السلام) هم چنان  
که زیارت وارث گواهی می دهد، یک تاریخ مستمر است با ویژگی های مشترک؛ آن جا که  
حسین (ع) وارث آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی، رسول الله، امیر مومنان و حسن (علیهم السلام)  
نامیده می شود: تاریخ مقدس مقابله بین حق و نمودهای مختلف باطل است. طاغوت در جنبه  
سیاسی، ملأ و مترف در جنبه اقتصادی و کافر و منافق و مشرک در جنبه فرهنگی.

بر این اساس فیلم تاریخ مقدس نیز از ذکر تاریخ انبیا و ائمه (ع) در قالب اثر نمایشی موعظه و  
تذکر را باید وجه نظر داشته باشد. رویکرد فیلم تاریخ مقدس حتی اگر ترسیم شرایط سیاسی و  
موضع گیری معصوم باشد، هم چنان که در سریال ولایت عشق این گونه بود، به حکم شمول دین

۱. هود: آیه ۱۲۰.

۲. روم: آیه ۳۰.

۳. احزاب: آیه ۶۲.



در عرصه‌های مختلف از جمله سیاست از متن دین برمی‌خیزد و برای همین در این صورت نیز سنت‌های ثابت در جامعه و امور فطری انسانی بر آن حاکم است.

اگرچه درام دارای ماجراهای واجد کشمکش است، دارای تعلیق و غافلگیری است ولی عناصر درام، همه و همه اگر تاریخ مقدس را در ماجرا و ماجراپردازی محدود کند و بیننده را صرفاً در کشمکش‌ها و بحران و اوج داستان درگیر و سرگرم کند، بی‌آن‌که وعظ و تذکر رخ بنماید به بیراهه رفته است. تاریخ مقدس تذکر این نکته است که بر این عالم دست تدبیر و تقدیر خداوند حاکم است و این‌که هستی و جامعه بر اساس حق و قوانین ثابتی حرکت دارد و کسانی هستند که با حق همراهند و کسانی که در مقابل آن می‌ایستند و...

البته فیلم، در ساختار دراماتیک، دچار محدودیت‌هایی است. جهان فیلم دراماتیک برخلاف دیگر ساختارهای هنری و برخلاف بیان مستقیم در غیر هنر باید جهانی نزدیک به واقعیت تاریخی خلق کند؛ جهانی که در آن شخصیت‌ها و رویدادها رنگی کنند و چنین امری اساساً ظرفیت و گنجایش حرف‌های اساسی و جدی را کمتر از دیگر رسانه‌ها (مانند رسانه مکتوبی که اصطلاحاً در دسته‌بندی هنری نگنجد) و نیز دیگر ساختارهای هنری دارد. کنش‌ها و عدم کنش‌ها، واکنش‌ها و عدم واکنش‌ها نیز همان محدودیت بیان غیرمستقیم را در جهان نمایشی دارد. هر چه هست فیلم تاریخ مقدس باید در دام بیان حادثه و صرفاً گفتن ماجرا نیفتد.

هم‌چنین داستان رسولان در قرآن دارای نکته‌ای خاص نیز هست و آن فعل خداوند در نسبت با رسولان و تربیت آنان و به تعبیر رسول‌الله (ص) تادیب ایشان است. فعل خداوند (آن‌گاه که وارد جهان نمایش می‌شود همان کنش خداوند) دارای حکمت است. همان‌گونه که این امر در معارف دینی تحلیل شده خواست و فعل حق نه برخاسته از انگیزه و در نتیجه جبران نقص و رسیدن به کمال در فاعل است، بلکه برخاسته از جبران نقص و رسیدن به کمال در معلول است.

به این ترتیب آن‌جا که خداوند در داستان رسولان به عنوان یک علت داستانی عمل می‌کند در علیت او نه از انگیزه که از حکمت او باید سخن گفت و آن را تحلیل نمود. این حکمت با توجه



به شرایط هر رسول می‌تواند دست تربیت رب را نشان دهد؛ چرا خداوند یوسف را از یعقوب دور ساخت؟ چرا او را در زندان افکند؟ چرا یونس در شکم ماهی به سر برد؟ چرا خداوند رسول‌الله(ص) را یتیم خواست و چرا...؟

این امر یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که فیلم تاریخ مقدس را از افتادن در ورطه بیان ماجرای صرف نجات می‌دهد و در آن روح می‌دمد که جنبه‌ای از قصص رسولان در قرآن به همین امر توجه نشان داده است.

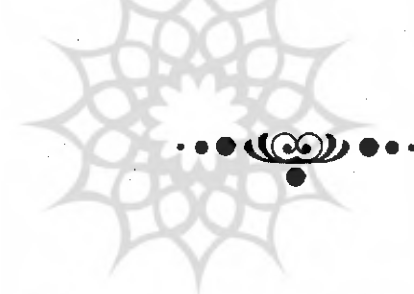
اقتضای دمیدن این روح و تحقق تذکر و ذکر در فیلم تاریخ مقدس در وهله اول تحقیق است. تحقیق در این ساحت می‌تواند عناصر مشترک دعوت رسولان، جناح‌بندی‌های جبهه حق و جبهه باطل (در جلوه‌های مختلف آن) و سنت‌های حاکم را به دست بدهد. ضمن آن که می‌تواند ویژگی‌های خاص زمان هر رسول یا امام را روشن کند؛ این که تعبیر خواب در دوران یوسف(ع) و در داستان او اهمیت دارد، این که اعجاز موسی(ع) در دوران او (ید بیضاء و مار) در ایفای رسالت او نقش بازی می‌کند و این که اعجاز محمد(ص) کلامی (قرآن) است که بر وی وحی شده است.

همچنان که پیداست این تحقیق بیش از آن که تاریخی باشد، کلامی و عقیدتی است. علاوه بر ادراک علمی و دریافت آگاهانه در این حیطه، فیلمساز باید به ادراک قلبی و دریافت ایمانی نیز دست پیدا کرده باشد؛ زیرا اساسا درک این ساحت‌ها در حوزه دریافت قلبی و ایمانی با توجه به مراتبی که ایمان دارد، تحقق پیدا می‌کند. هر اندازه این سلوک وجودی و ایمان قلبی در هنرمند<sup>۴</sup> در مرتبه‌ای بالاتر باشد، فیلم از این نظر دچار عمق و غنای بیشتری خواهد بود. به گونه‌ای که می‌توان از یک قاعده درباره فیلم تاریخ مقدس و به طور کلی فیلم‌های با مضمون دینی سخن گفت و آن این که فیلم به اندازه مکانت وجودی فیلمساز (چه در حوزه معرفت و چه در حوزه سلوک) اوج می‌گیرد. نمونه‌های خارجی از فیلم‌های مستقل آمریکایی مانند *آخرین وسوسه مسیح* گرفته تا فیلم‌های اروپایی مانند *انجیل به روایت متی* تا فیلم‌های شرقی مانند *محمد رسول الله* تا نمونه‌های داخلی مانند *یوسف پیامبر*.

۴. در فیلم، این هنرمند به طور مشخص کارگردان است؛ هرچند تحقق این مهم در وهله اول باید در فیلمنامه اتفاق بیفتد و از شرایط آن محسوب می‌شود ولی آن‌جا که کارگردان غیر از فیلمنامه‌نویس است در نهایت این کارگردان است که فیلمنامه را با خود هم‌افق می‌کند و از متن نوشتاری، متنی تصویری خلق می‌کند. دیگر عوامل مانند بازیگر و... با هدایت او می‌توانند به این ساحت نزدیک شوند یا این که آن را تخیل کنند.

میزان و مقدار عمل و غنای فیلم مسلما در سطح نازل‌تری از درک معنوی و سلوک وجودی فیلمساز است؛ زیرا او باید این مفاهیم را درک و درونی کرده باشد. پس از این مرحله آن را در جهانی داستانی بازتولید کند. چنین امری با توجه به اقتضات و محدودیت‌های درام به ناچار در سطحی پایین‌تر تحقق پیدا می‌کند.

و در نهایت برای رسیدن به غنا و عمق هر چه بیشتر می‌تواند به حضور مشاور یا حتی بالاتر کارشناس دینی در کنار عوامل فیلم فکر کرد. هم‌چنان‌که در زمینه شکل و ساختار داستانی این امر در رسانه تجربه شده است. مشاور یا کارشناس مذهبی (به مفهوم واقعی کلمه) می‌تواند افق‌هایی را فراروی فیلم‌نامه‌نویس و فیلمساز بگشاید و او را در ساحت‌هایی جدید وارد کند. این افق گشودن، اگر در فیلم‌نامه نویس و فیلمساز سرمایه اولیه معرفتی و ایمانی وجود داشته باشد، می‌تواند ساحت‌های جدیدی را برای‌شان منکشف کند و غنا و عمق بیشتری به آن‌ها هدیه کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی